






آواز ساکیما



La chanson de Sakima

-  Ursula Nafula
-  Peris Wachuka
-  Marzieh Mohammadian Haghighi
-  Persian / French
-  Level 3





ساکيما با والدين و خواهر کوچک چهار ساله اش زندگی می کرد. آنها روی زمین کشاورزی یک مرد ثروتمند زندگی می کردند. کلبه ی پوشالی آنها انتهای ردیفی از درخت ها بود.

...

Sakima vivait avec ses parents et sa petite sœur, qui avait quatre ans. Ils vivaient sur la terre d'un homme riche. Leur hutte à toit de chaume était située au bout d'un rang d'arbres.



وقتی ساکیما سه ساله بود، بیمار شد و بینایی اش را از دست داد. ساکیما پسر با استعدادی بود.

...

Quand Sakima avait trois ans, il est devenu malade et perdu sa vue. Sakima était un garçon avec beaucoup de talent.



ساکيما کارهای زیادی انجام می داد که دیگر پسرهای شش ساله قادر به انجام آن نبودند. برای مثال، او می توانست با اعضای دهکده بنشیند و در مورد موضوعات مهم با آنها گفتگو کند.

...

Sakima faisait beaucoup de choses que d'autres garçons de six ans ne faisaient pas. Par exemple, il pouvait se tenir avec les membres plus âgés du village et discuter de questions importantes.



والدين ساكيما درخانه ي مرد ثروتمند كار مي كردند. آنها
صبح زود خانه را ترك مي كردند و ديروقت برمي گشتند.
ساكيما وخواهر كوچكش تنها مي ماندند.

...

Les parents de Sakima travaillaient chez
l'homme riche. Ils quittaient leur maison
tôt le matin et revenaient tard le soir.
Sakima restaient seul chez eux avec sa
petite sœur.



ساکيما به خواندن آهنگ علاقه داشت. روزی مادرش از او پرسید، «ساکيما تو اين ترانه ها را از کجا ياد گرفتی؟»

...

Sakima adorait chanter des chansons. Un jour sa mère lui demanda, « Où apprends-tu à chanter ces chansons, Sakima? »



ساکيما گفٲ، «آنها خودشان فی البداهه می آیند. من آنها را
در سرم می شنوم وبعد می خوانم.

...

Sakima répondit, « Elles me viennent tout
simplement, maman. Je les entends dans
ma tête et ensuite je chante. »



ساکيما علاقه داشت که برای خواهر کوچکش آواز بخواند، مخصوصاً، هر وقت خواهرش احساس گرسنگی می کرد. در حالیکه او آهنگ مورد علاقه اش را می خواند خواهرش به او گوش می داد. او با نوای آرامش بخش آواز سر تکان می داد.

...

Sakima aimait chanter pour sa petite sœur, surtout si elle avait faim. Sa sœur l'écoutait chanter sa chanson préférée. Elle se balançait en écoutant la chanson apaisante.



خواهرش مرتب تکرار می کرد، "ساکیما می توانی دوباره و دوباره برایم آواز بخوانی؟" ساکیما قبول می کرد و دوباره و دوباره آوازه را می خواند.

...

« Peux-tu la chanter encore et encore, Sakima? » sa sœur le suppliait. Sakima acceptait et la chantait encore et encore.

یک روز بعد از ظهر وقتی که پدر و مادرش به خانه بازگشتند، خیلی ساکت و آرام بودند. ساکیما فهمید که اتفاقی افتاده است.

...

Un soir quand ses parents sont revenus chez eux, ils étaient très tranquilles. Sakima savait qu'il y avait un problème.





ساکيما پرسيد، "چه اتفاقی افتاده، مادر، پدر؟" ساکيما متوجه شد که پسر مرد ثروتمند گم شده بود. مرد ثروتمند خیلی ناراحت بود و احساس تنهایی می کرد.

...

« Qu'est-ce qu'il y a, maman et papa? »
Sakima demanda. Sakima apprit que le fils de l'homme riche était disparu. L'homme était très triste et seul.



ساکيما به پدر و مادرش گفت، “من می‌توانم برای او آواز بخوانم. او ممکن است دوباره شاد شود. ولی پدر و مادرش با او مخالفت کردند.” او خیلی ثروتمند است. تو یک پسر نابینا هستی. تو فکر می‌کنی آواز خواندن تو به او کمکی می‌کند؟”

...

« Je peux chanter pour lui. Il redeviendra peut-être heureux, » Sakima dit à ses parents. Mes ses parents rejetèrent l'idée. « Il est très riche. Tu es seulement un garçon aveugle. Penses-tu vraiment que ta chanson l'aidera? »



اما، ساکیما تسلیم نشد. خواهر کوچکش هم او را حمایت کرد. او گفت، «وقتی که من گرسنه هستم ترانه های ساکیما من را آرام می کند. آنها مرد ثروتمند را هم آرام می کنند.»

...

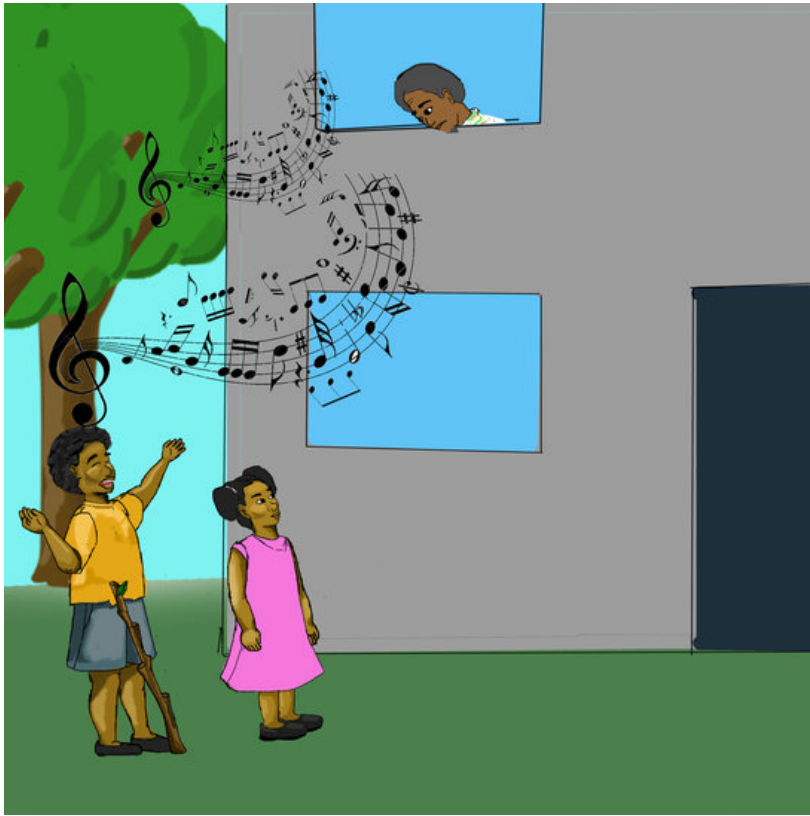
Toutefois, Sakima ne démissionna pas. Sa petite sœur l'appuyait. Elle disait, « Les chansons de Sakima me calment quand j'ai faim. Elles calmeront l'homme riche aussi. »



روز بعد، ساکیما از خواهر کوچکش خواست که او را به سمت خانه ی مرد ثروتمند هدایت کند.

...

Le lendemain, Sakima demanda à sa petite sœur de le mener chez l'homme riche.



او زیر یک پنجره ی بزرگ ایستاد و شروع به خواندن آواز
مورد علاقه اش کرد. به تدریج، سر مرد ثروتمند از آن
پنجره ی بزرگ نمایان شد.

...

Il se tint sous une grande fenêtre et
commença à chanter sa chanson préférée.
Lentement, la tête de l'homme riche
apparu à travers la grande fenêtre.



کارکنان کاری را که داشتند انجام می دادند متوقف کردند. آنها به صدای زیبای ساکیما گوش دادند ولی مردی گفت،
“هیچکس نتوانسته ارباب را تسلی دهد. آیا این پسر نابینا تصور می کند که می تواند ارباب را تسلی دهد؟”

...

Les ouvriers arrêtaient ce qu'ils faisaient. Ils écoutèrent la belle chanson de Sakima. Mais un homme dit, « Personne n'a été capable de consoler le patron. Est-ce que ce garçon aveugle pense qu'il pourra le consoler ? »



ساکيما آواز خواندنش را تمام کرد و رویش را برگرداند که
برود. ولی مرد ثروتمند با سرعت به طرفش آمد و گفت،
“لطفا دوباره آواز بخوان.

...

Sakima termina de chanter sa chanson et
s'apprêtait à partir. Mais l'homme riche
sorti en vitesse et dit, « S'il te plait, chante
encore. »



در همان لحظه، دو مرد در حالیکه یک نفر را روی تخت روان می‌آوردند آمدند. آنها پسر مرد ثروتمند را در حالیکه کتک خورده بود و کنار جاده افتاده بود پیدا کرده بودند.

...

À ce moment, deux hommes sont venus en apportant quelqu'un sur une civière. Ils avaient trouvé le fils de l'homme riche tabassé et abandonné sur le bord de la route.



مرد ثروتمند از دیدن دوباره ی فرزندش بسیار خوشحال بود. او به ساکیما به خاطر تسلی دادنش پاداش داد. او پسرش و ساکیما را به بیمارستان برد پس ساکیما دوباره توانست بینایی اش را به دست آورد.

...

L'homme riche fut tellement content de revoir son fils. Il récompensa Sakima pour l'avoir consolé. Il emmena les deux garçons à l'hôpital pour que Sakima puisse retrouver sa vue.



Storybooks Canada

storybookscanada.ca

آواز ساکيما

La chanson de Sakima

Written by: Ursula Nafula

Illustrated by: Peris Wachuka

Translated by: (fa) Marzieh Mohammadian Haghighi, (fr) Alexandra Danahy

This story originates from the African Storybook (africanstorybook.org) and is brought to you by Storybooks Canada in an effort to provide children's stories in Canada's many languages.



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).